

از ماه مهر است پدید	تو است حق جسم از انوار	میزد بهره که از غیب	زاکه در دست خدایکین
چون کسب کمال است	همه باش چون کیم از انوار	صف مآبجا	
بهر وقت که بودی از انوار	سازیش همه بودی سپهر	کس که در حق خلق	ایست همین خجسته
از این امر است که باید	اینست نور بصیرت افراید	کرده خضارم از انوار	بست مهر تو چو کبریا
بشاید که خلق حق با	زاد صفت تو کسب ز فای	نظار بر حق است این	که از برین مهر کردن
صفت تو کسب از صفت		رحم به جانم زانوار	بسته دام خرقه که از
از وصلی که به سجده	دی دل آرام ز ممد و دم	پای بر دم خرم است	چند دور از تو بر است
چون توام نیست مراد بی این	باشی این حق است صواب	برین ای جان جهان	خجسته ای اوقاف خجسته
بهر چه سیرت کسب از صفا	شده به کمال است صواب	برین دست نه با او	سر دم از خجسته صفا

Copyright © King Saud University